



The Criteria for the Effect of Intention in Guarantee¹

Alireza Farahnak 

Assistant Professor, Department for Sciences related to Fiqh, Research Center for Jurisprudence and Law, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.

a.farahnak@isca.ac.ir

Abstract

One of the important elements that is considered in worship and other things is the element of intention. The presence or absence of intention or the manner or change of the intention can play a role in the validity and invalidity of worship. As in non-worships, the same conditions can have some situational effects. In addition, in both, there are some obligatory effects. What is considered now is the effect of the intention in proving the guarantee. Although this effect has not been considered to be normative, by examining the branches of jurisprudence and the opinions of jurists, we can find criteria for this effect. These criteria sometimes refer to the intention alone and sometimes refer to the intention combined with the action. The first category is the interference of the intention in the realization of the title of the guarantor, whether it was just or not or its change is the cause of guarantee and non-guarantee. The second category is such as the lack of intention or its change in the titles of intention, after which the performed behavior becomes a guarantee. Determining the domain and titles of lack of guarantee can be the reason for the effect or the extent of this effect.

Keywords

Changing the intention, the effect of the intention, the criteria of guarantee, the titles of the intention.

1. **Cite this article:** Farahnak, A. R. (1402 AP). The Criteria for the Effect of Intention in Guarantee, *Journal of Fiqh*, 30(116), pp. 65-86. <https://doi.org/10.22081/jf.2024.65927.2617>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

• **Received:**05/03/2023 • **Revised:** 08/11/2023 • **Accepted:** 05/02/2024 • **Published online:** 26/02/2024

ضوابط تأثیر نیت در ضمان^۱

علیرضا فرحناک^۱ 

۱. استادیار، گروه دانش‌های وابسته به فقه، پژوهشگاه فقه و حقوق، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، قم، ایران.
 a.farahnak@isca.ac.ir

چکیده

یکی از عناصر مهم که در عبادات و غیر آن بدان توجه می‌شود، عنصر قصد و نیت است. بود یا نبود نیت یا چگونگی یا تغییر منوی می‌تواند در صحت و بطلان عبادت نقش آفرین باشد؛ چنان‌که در غیر عبادات نیز همین حالات می‌تواند آثاری وضعی در پی داشته باشد. ضمن اینکه در هر دو آثاری تکلیفی نیز در پی دارد. آنچه اکنون در نظر است، تأثیر نیت در ثبوت ضمان است. هرچند این تأثیر ضابطه‌مند دانسته نشده است، با بررسی فروع فقهی و آرای فقیهان می‌توان ضوابطی را برای این تأثیر یافت. این ضوابط گاه به مجرد نیت ناظر است و گاه به نیت توأم با عمل ناظر است. دسته اول از قبیل دخالت قصد در تحقق عنوان رافع ضمان است که صرف بود یا نبود یا تغییر آن موجب ضمان و عدم ضمان است و دسته دوم از قبیل فقدان نیت یا تغییر آن در عناوین قصديه است که در پی آن رفتار انجام‌شده چهره ضمان به خود می‌گیرد. تعیین سعه و ضیق قلمرو عناوین رافع ضمان یا ضمان‌ساز می‌تواند دلیل اصل تأثیر یا میزان این تأثیر قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها

تغییر منوی، تأثیر نیت، ضوابط ضمان، عناوین قصديه.

۱. **استناد به این مقاله:** علیرضا، فرحناک. (۱۴۰۲). ضوابط تأثیر نیت در ضمان، فقه، ۳۰ (۱۱۶)، صص ۶۵-۸۶.

<https://doi.org/10.22081/jf.2024.65927.2617>

* نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان
 • تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۸/۱۷ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷

بدون تردید وجود قصد در شخص مختار در ترتب حرمت تکلیفی و کیفر بر عمل منجر به جرم (مجرمانه)، تأثیری همیشگی دارد؛ چنان که نبود قصد نیز در عدم آن دو مؤثر است. اما بود یا نبود قصد، تنها در برخی موارد است که در ثبوت و عدم حکم وضعی تأثیر دارد؛ بنابراین بر خلاف قبلی این تأثیر همیشگی و کلی نیست. اکنون این پرسش پیش می‌آید که آیا می‌توان برای این موارد به ضابطه یا ضوابطی دست یافت تا مثلاً در پرتو آن بتوان با وجود قصد، ضمان را ثابت کرد؟ یا اینکه این تأثیر ضابطه‌مند نیست. این تلاش در صدد اثبات برخی ضوابط برای ملازمه قصد و ضمان است.

۱. نیت در لغت و اصطلاح

واژه نیت در نگاه لغوی از ریشه (ن- و- ی) است. شکل فعلی آن «نَوَى» به معنای «عزم کرد» است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۵۱۶). واژه نیت در معنای مصدری خود در بیشتر کاربرد خود به معنای «عزمی قلبی بر امری از امور است» (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۳۲)؛ از همین رو برخی با اینکه آن را به معنای قصد می‌دانند، معنای اعتقاد را نیز بدان ضمیمه می‌کنند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۳۴۷). پس نیت به معنای قصد جدی و پایدار است و در برابر معنای خطور است که ذهنیتی ابتدایی و زودگذر است. معنای اصطلاحی نیت را برخی چنین معرفی کرده‌اند: «... النية هي الإرادة التي تؤثر في وقوع الفعل على وجه دون وجه»؛ نیت اراده‌ای است که در وقوع عمل بر یک وجه غیر از وجه دیگر تأثیر می‌گذارد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۰۸). طبق این تعریف از یک سو، کار نیت دادن سیمایی خاص به عملی است که قابلیت داشتن چهره‌های مختلف را داراست و از سوی دیگر فعل و عمل به عبادت اختصاص ندارد.

۲. ضمان در لغت و اصطلاح

از نگاه لغوی ریشه ضَمَنَ به معنای قراردادن شیء در چیزی است که آن را در بردارد. به

کفالت، ضمان گفته می‌شود؛ به این دلیل که وقتی کسی ضامن دیگری شد، گویی ذمه و عهده او را فرا گرفته است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۷۲).

از نگاه اصطلاحی معنای معروف ضمان در فقه که در دو باب عقد فاسد و غصب بیان شده است، عبارت است از: بازگرداندن خود شیء یا مثل یا قیمت آن به مالکش و معنای غیر معروف آن که در ذیل قاعده فقهی «الخراج بالضمان» آمده، عبارت است از: تحمّل خسارت مال که از کیسه خود شخص بیرون می‌رود (سبحانی، درس خارج فقه، قواعد فقهیه، ۹۲/۱۱/۰۶). به نظر می‌رسد معنای ضمان را می‌توان از عمومیت بیشتری برخوردار دانست و ضمان‌های شرعی همچون کفاره یا اموری مانند استحقاق اجرت را نیز مشمول آن دانست؛ از این رو به طور کلی می‌توان ضمان را مسئولیتی شامل دانست که در برخی با برگرداندن عین است و در صورت فقدان عین، برگرداندن مثل یا قیمت و در برخی دیگر با پرداخت عوض‌هایی شرعی (مانند کفاره یا فدیة) یا اجرت می‌باشد.

۶۷

فقه

صواب تأثیر نیت در ضمان

۳. تأثیر نیت در ضمان

یکی از عناصر مهم و تأثیرگذار در درستی یا نادرستی فقهی عمل، بود یا نبود نیت یا کیفیت منوی است که شکل اخیر (منوی) در موضوع‌های مختلف، متفاوت معرفی شده است. به گفته برخی این ارتباط در مسئله ضمان ضابطه‌مند نیست. به باور محمدحسین کاشف الغطاء اعتبار قصد در ثبوت ضمان اطراد ندارد (و از این نظر نمی‌توان ضابطه‌ای را برای موارد تأثیر نیت در ضمان تعیین کرد). در بسیاری موارد حکم به ضمان می‌شود، گرچه قصدی نیست؛ مانند ضمان در صورت تعدی بدون اینکه قصدی به اضرار باشد؛ چنان که اگر شخصی در طریق عمومی و بدون اذن حاکم چاهی بکند و بی آنکه قصد بدی داشته باشد، چارپای دیگری در آن افتد و تلف شود، ضامن است یا باربر که ناخواسته موجب اتلاف مال دیگری می‌شود، ضامن می‌شود با اینکه در این فرع افزون بر اینکه قصد اتلاف نداشته، عملش نیز مشروع بوده است. در مسئله آتش‌افروزی، اگر شخص در ملکش بیش از نیازش آتش افروخت و بدون قصد، موجب آتش‌سوزی ملک دیگری شد، ضامن است؛ ولی اگر به اندازه نیاز آتش افروخت و بدون قصد

موجب خسارت به دیگری شد، ضامن نیست با اینکه تصرفش در هر دو حال مشروع بوده است. به گفته وی مدار در ضمان، مراجعه به حاکم در قضایای شخصی است. حاکم نیز در این قضایا به عرف، ذوق و وجدان مراجعه می‌کند و حکم آنها را از ادله استنباط می‌کند (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹ق، ج ۲، صص ۱۴۴-۱۴۶).

ولی با این حال، می‌توان موارد یادشده را تحت ضابطه دانست و ضمان در آنها را نتیجه جریان اسباب ضمان دانست؛ این گونه که ضمان چاه‌کن نتیجه تعدی اوست و تعدی از اسباب ضمان است؛ بی‌آنکه از عنوان‌های قصدی باشد. نیز می‌توان ضمان باربر را نتیجه صدق اتلاف دانست که در تحقق این سبب ضمان نیز قصد، دخالت ندارد و آتش‌افروزی بیش از حد نیاز در خانه را مشمول سبب تعدی دانست و از این رو ضمان در آن راه داد.

برخی نیز با قیاس صرف نیت عمل ضمان آور بر صرف نیت عمل مجرمانه و گناه، تکلیف نیت نخست را روشن کرده و نتیجه گرفته‌اند که نیت نخست بسان دوم بی‌تأثیر است؛ بنابراین همان گونه که صرف نیت زنا موجب اتصاف شخص به وصف زانی نیست و در نتیجه استحقاق کیفر زنا را ندارد، صرف نیت خیانت ابتدایی به هنگام گرفتن ودیعه نیز کسب وصف خیانت و در نتیجه ضمان آوردن را به دنبال ندارد (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۱، صص ۴۴۰-۴۴۱). چنان که در روایتی آمده است: ... ثُمَّ قَالَ: «وَلَوْ كَانَتِ النَّيَّاتُ مِنْ أَهْلِ الْفُسُقِ يُؤْخَذُ بِهَا أَهْلُهَا، إِذَا لَأُخِذَ كُلُّ مَنْ نَوَى الرَّنَا بِالرَّنَا، وَكُلُّ مَنْ نَوَى السَّرِقَةَ بِالسَّرِقَةِ، وَكُلُّ مَنْ نَوَى الْقَتْلَ بِالْقَتْلِ. وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَدْلٌ حَكِيمٌ لَيْسَ الْجَوْرُ مِنْ شَأْنِهِ، وَ لَكِنَّهُ يُثِيبُ عَلَى نِيَّاتِ الْخَيْرِ أَهْلَهَا وَ إِضْمَارِهِمْ عَلَيْهَا، وَ لَا يُؤَاخِذُ أَهْلَ الْفُسُوقِ حَتَّى يَفْعَلُوا» (حمیری، ۱۴۱۳ق، صص ۴۸-۴۹). طبق این روایت صرف نیت در جنبه کیفری کارگر نیست و اعمال آن خلاف عدل الهی است و نتیجه قیاس یادشده نیز این است که این بی‌عدالتی در حکم به ضمان به مجرد نیت نیز وجود دارد. چنان که ملاحظه شد، فقهی به صراحت دخالت قصد در ضمان را غیر مطرد دانست و فقهی دیگر صرف نیت را در ضمان بی‌تأثیر خواند؛ اما به‌رغم ظاهر این دو سخن، می‌توان ضوابطی را ارائه داد که مدخلیت صرف قصد یا قصد همراه با عمل را در ضمان نشان می‌دهد.

۴. اقسام ضوابط ملازمه نیت و ضمان

با بررسی آرای فقیهان و فروع فقهی می‌توان ضوابطی را برای تشخیص و تعیین نیت‌های ضمان آور یافت. برخی از این ضوابط ناظر به نیت صرف‌اند؛ این گونه که نیت صرف بدون تصرف حتی تصرف عدوانی موجب ضمان است؛ ولی برخی ناظر نیتی هستند که برای ضمان آوردنش نیازمند عمل است؛ بنابراین روی سخن به این دو دسته جلب می‌شود:

۴-۱. قسم اول: ضمان ناشی از مجرد نیت

در مواردی صرف نیت موجب ضمان است؛ بی‌آنکه نیازمند پیوست عمل به آن باشد. ضوابط این قسم از این قرار است:

۴-۱-۱. ضابطه نخست: دخالت قصد در تحقق عنوان رافع ضمان

اگر قصدی خاص در شکل‌گیری و قوام‌عنوانی دخیل دانسته شد که صدق آن موجب عدم ضمان است، نبود یا تغییر صرف قصد، باعث ثبوت ضمان است. نمونه اول: اگر یابنده، گمشده را به نیت یافتن صاحب آن، یعنی به نیت امانت، شناساندن و اعلام آن بردارد، صرف همین قصد موجب می‌شود گمشده در نزد او امانت باشد و در نتیجه جز با تفریط یا قصد تملک ضامن آن نباشد (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۲۱۷)؛ اما اگر پس از این نیت ابتدایی، نیت وی تغییر یافت و قصد انتفاع و سودجستن از آن کرد، چون قصد اولیه یادشده امانت‌ساز بوده است، با زوال آن حتی بدون عمل خارجی این عنوان ساخته‌شده نیز زایل می‌شود و ید امانی از میان می‌رود و ضمان ثابت می‌شود (ر.ک: محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۳). چنان‌که اگر پیش از یک سال اعلام و شناساندن، قصد صرف تملک لقطه کند، ید امانی‌اش عدوانی می‌شود و در نتیجه باز ضامن می‌شود. حتی اگر پس از سپری‌شدن یک سال از اعلام قصد تملک کند، با اینکه با این قصد یدش عدوانی نمی‌شود، ولی چون قصد امانت‌ساز از بین رفته است، باز ضامن است و حتی اگر از قصد تملک نیز دست کشد و به قصد امانت‌ساز نخست

برگردد، باز ضامن است؛ زیرا با نیت عدم تملک، مالکیت وی از بین نرفته است؛ از همین رو به دنبالش ضامن نیز باقی است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۵۰۶). در وجهی دیگر ضامن ناشی از قصد تملک پس از نیت عدم تملک نیز همچنان استصحاب می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۱۱۱)؛ بدین ترتیب روشن است که اگر یابنده هنگام یافتن لقطه از همان آغاز نیت خیانت کند، ضامن خواهد بود (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۲۱۵)؛ چون اساساً عنصر امانت‌ساز از همان ابتدا تحقق نیافته است؛ بلکه تصرف و ید عدوانی ضامن‌ساز بوده که پدید آمده است.

نمونه دوم: اگر در ودیعه قصد ایتمان از سوی ودیعه گیرنده را (معتبر) و واجب بدانیم، در صورتی که گیرنده ودیعه آن را نه به این قصد، بلکه به نیت خیانت گرفت، صرف همین نیت سوء بدون نیاز به اقدام عملی خیانت‌بار موجب ثبوت ضامن به دلیل تحقق این ید عدوانی می‌شود (برگرفته از: بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۱، صص ۴۴۸-۴۴۹). با توجه به همین ضابطه است که شهید ثانی به‌طور کلی گفته است: اگر گیرنده به هنگام گرفتن ودیعه قصد تصرف در آن را داشت، ضامن است؛ زیرا آن را نه بر وجه امانت، بلکه بر وجه خیانت اخذ کرده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، صص ۱۱۰-۱۱۱).

نمونه سوم: اگر کسی مالی را به عنوان ودیعه گرفت، ولی در ادامه تصمیم گرفت مالک را از مالش منع کند و استیلای ید خود بر آن و چیرگی بر مالک را بنا نهد، با همین نیت، ید گیرنده از ید استنابه از مالک به ید خودش تغییر می‌کند و در نتیجه یدش عدوانی گشته، ضامن می‌شود. حتی اگر از این قصد عدوانی برگردد، ضامن همچنان باقی است (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۰۴؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۰۹). در اینجا نیز چون در ماهیت ودیعه، ید استنابه است، با تغییر نیت ضامن حاصل می‌شود.

۴-۱-۲. ضابطه دوم: انگیزه نامشروع

گاه انسان قصد عنوانی مشروع دارد؛ ولی در مرحله‌ای فراتر از آن انگیزه‌ای نامشروع را در نظر می‌گیرد. در این موارد به دلیل این انگیزه نامشروع عمل باطل و ضامن باقی است.

برخی مصادیق این قسم را می‌توان در امور قربی مالی یافت. به گفته کاشف الغطاء اگر شخص... به نیت ریا یا دیگر امور دنیوی خمس را پردازد، باید خمس برگردانده شود (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۲۱۱). در اینجا با اینکه قصد عنوان خمس وجود دارد؛ ولی به دلیل اینکه انگیزه پرداخت آن غیرالهی است، پرداخت باطل و شخص همچنان ضامن و بدهکار خمس است. در واقع این انگیزه حرام از همان ابتدا ضمان‌ساز است و از برائت ذمه جلوگیری می‌کند. البته می‌توان وجود قصد ریا را مانع قصد قربی دانست که در تشکیل عبادت خمس دخیل است و از این نظر عمل را باطل و ضمان را باقی دانست. در امور غیر قربی نیز می‌توان کسی را مثال آورد که انگیزه‌اش از عناوین قرض، خرید یا اجاره، سوء استفاده با نیت ادا نکردن عوض آن باشد. با این انگیزه فاسد غاصب‌شمردن او محتمل دانسته شده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۵۵۸).

۲-۴. قسم دوم: ضوابط ضمان ناشی از نیت توأم با عمل

در مواردی صرف نیت موجب ضمان نیست؛ بلکه برای تحقق ضمان نیازمند پیوست عمل به آن است. ضوابط این قسم از این قرار است:

۱-۲-۴. ضابطه اول: فقدان نیت یا تغییر آن در عنوان‌های قصدی

اگر عنوان از عنوان‌های قصدی باشد که تحقق آن در خارج نیازمند قصد عنوان مورد نظر است؛ ولی در صحنه عمل این قصد انجام نشد یا قصدی دیگر شکل گرفت، ضمان برقرار است. نمونه‌هایی از این حالت بدین قرار است:

نمونه اول: اگر شخصی بدهکار باشد و پولی را بدون قصد عنوانی خاص از جمله ادای دین یا به قصد عنوانی خاص به‌جز ادای دین مانند هبه، به طلبکار پرداخت کند، ذمه او همچنان مشغول است و مانند گذشته ضامن طلب اوست (درباره اعتبار قصد عنوان در دین، ر.ک: بروجردی، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۹؛ میرزای قمی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۰۶).

نمونه دوم: اگر شخصی بدون هیچ نیتی خمس را پرداخت کند یا...، باید خمس برگردانده شود (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۲۱۱). در اینجا درحقیقت فقدان اصل نیت و

نداشتن عنوان خاص خمس موجب ضمان دانسته شده است.
 نمونه سوم: اگر کسی همه مالش را به‌رایگان ببخشد، ولی عنوان زکات را نیت نکند، مجزی از زکات نیست (علامه حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۲۱).
 نمونه چهارم: اگر گیرنده مال، نیت دهنده مال را نداند و مال را به عنوان مشروع هدیه بگیرد، نه ضامن و نه گنهکار است؛ ولی اگر در همین فرض آن را به قصد عنوان حرام رشوه بستاند، با اینکه حتی نیت پرداخت کننده هدیه بوده است، در وجهی حرام انجام داده و ضامن دانسته می‌شود (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ص ۸۳).

۴-۲-۲. ضابطه دوم: قصد عناوین ضمان‌ساز

برخی عنوان‌ها هستند که از آنها با نام اسباب ضمان یاد می‌شود. از سخن برخی فقیهان بر می‌آید که صرف قصد برخی از این عناوین موجب ضمان است و در برابر برخی دیگر منکر اعتبار قصد در آنها شده‌اند. نمونه‌ای از این دوگانگی در سبب تعدی دیده می‌شود. به گفته برخی - چنان که گذشت - اگر در ودیعه، غضب و استیلا بر ودیعه و غلبه بر مالک قصد شد، صرف همین نیت و قصد، موجب ضمان است؛ زیرا با نیت غضب ید استیمانی به ید عدوانی تبدیل شده است و حتی اگر صاحب این نیت از این قصد هم برگردد، ضمان زایل نمی‌شود (ر.ک: اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۲۵)؛ از همین رو برخی معتقدند از همان وقت که ودیعه گیرنده بر تحویل ندادن ودیعه تصمیم گرفت، غاصب شمرده می‌شود و در نتیجه ضمان بر او استقرار می‌یابد (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۲۲). اما به باور برخی نیت مجرد از عمل سبب ضمان نیست و در نظر عرف تعدی شمرده نمی‌شود (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۲۰۴). آری مرحله انکار را می‌توان از مراتب تعدی و غضب دانست که البته این از مرحله قصد فراتر است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۲۲). با همین استدلال برخی دیگر در ثبوت ضمان در اخذ ابتدایی ودیعه به صرف نیت خیانت، این گونه اشکال کرده‌اند که به ظاهر صدق خائن بر او به لحاظ شرعی و عرفی تنها با انجام دادن فعل خیانت بار حاصل می‌شود، نه به مجرد نیت؛ و گرنه بر نیت کننده زنا نیز زانی صدق خواهد کرد با اینکه مرتکب زنا نشده است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۱، صص ۴۴۰-۴۴۱).

با وجود این برداشت‌های متفاوت، نیک به نظر می‌رسد که باید عنصر قصد در صدق اسباب ضمان بررسی شود تا صحت و سقم دخالت آن در صدق این اسباب روشن گردد.

۵. دخالت عنصر قصد در اسباب ضمان

اسباب و موجبات معروف ضمان پنج تاست: ۱. اتلاف؛ ۲. تسبیب؛ ۳. ضمان ید؛ ۴. تعدی و تفریط؛ ۵. غرور (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۱۵). در اینجا باید دید آیا اسباب ضمان از عنوان‌های قصدی هستند یا اینکه بدون قصد این عنوان‌ها، اسباب ضمان صدق می‌کند.

۵-۱. اتلاف

اتلاف به معنای نابود کردن مسرفانه (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۱۲۱) یا خود از میان بردن است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۶۲).

اتلاف می‌تواند به مال و غیرمال تعلق گیرد (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۳۴). در اتلاف موجب ضمان انتساب تلف به فاعل کفایت می‌کند؛ از این رو فرقی میان عمد و خطا نیست (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۹، ص ۱۰۵)؛ بنابراین اگر شخص غافل، نائم، ساهی، هازل و... که بدون قصد هستند، موجب اتلاف جزء یا کل و رساندن آسیب به شیء یا دیگران شوند، آنها ضامن هستند؛ زیرا بر عمل این افراد مانند قاصدین، اتلاف صدق می‌کند (ر.ک: اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۲۸). البته در مواردی با اینکه اتلاف صدق می‌کند، ولی از روی تعبد مانعی آن را از اتلاف بیرون می‌برد؛ مانند اینکه اتلاف کننده محسن باشد (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳۶-۳۷). از برخی فتواها بر می‌آید که برخی قصدها موجب استناد و برخی دیگر موجب عدم استناد است؛ برای مثال اگر کسی به لانه زنبوری که مجاور معبر عمومی است دست بزند و عابر بر اثر هجوم زنبورها و سرایت سمّ به او تلف شود، به گونه‌ای که علت مرگ وی را سرایت سمّ زنبورها تشخیص دهند، در صورتی که قصد فاعل این بوده است که زنبورها به عابران آسیب برسانند، به دلیل استناد فعل به او ضامن است و اگر قصدش این بوده است که زنبورها را بکشد

تا به عابران آسیب نرسانند، به دلیل عدم استناد فعل به او ضامن نیست و اگر هیچ‌کدام نبود، در صورتی که عمل او معرضیت داشته است که زنبورها به عابران آسیب برسانند، به دلیل استناد فعل به او ضامن است و اگر معرضیت نداشته و صرف تصادف بوده است، به دلیل عدم استناد فعل به او ضامن نیست و اساساً ضامن دایرمدار استناد است (ر.ک: منتظری، بی‌تا، ص ۱۴۴).

به‌رغم اینکه صدق اتلاف به صحت عرفی انتساب تلف به فاعل، منوط دانسته شد و نه قصد، با این حال می‌توان قصد را با واسطه، عامل صدق اتلاف دانست؛ بدین گونه که یکی از راه‌های اثبات انتساب یادشده نزد همین عرف عنصر قصد است؛ از این رو هرگاه عامل قصد پیدا بود، انتساب صحت می‌یابد و در نتیجه اتلاف صدق می‌کند.

از آنچه گذشت روشن شد که آنچه موجب صدق اتلاف است، صحت استناد عرفی تلف به فاعل است که گاه منشأ صحت، قصد فاعل است. اما در مورد اینکه چه وقت قصد موجب صحت استناد است، به نظر می‌رسد چاره‌ای جز رجوع مجدد به عرف نیست و در هر حال به قول برخی بدون تردید قصد در صدق ماهیت اتلاف مدخلیت ندارد؛ از این جهت که بر انسان خواب و فراموشکار نیز اتلاف‌کننده صدق می‌کند (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۴۹).

گفتنی است افعال تولیدی مانند زدن را می‌توان در این قسم از ضامن قرار داد که خواه مسبب قصد شود یا قصد نشود، تحقق می‌یابند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۹، صص ۱۳۸-۱۳۹).

۵-۲. تسبیب

تسبیب این است که اگر نباشد، تلف تحقق نمی‌یابد؛ ولی علت تلف‌شدن غیر سبب است؛ مانند اینکه کسی در ملک غیر چاهی حفر کند و موجب افتادن دیگری در آن گردد (محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۰۶).

درحقیقت تسبیب از اقسام اتلاف است؛ چه اینکه اتلاف یا بالمباشره است که در طی آن، علت تلف ایجاد می‌شود؛ مانند کشتن و خوردن یا بالتسبیب است که در طی آن آنچه که با وجود آن تلف تحقق می‌یابد، انجام می‌شود؛ ولی خود تلف با علتی

دیگر تحقق می‌یابد (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۳۵). به گفته محقق مراغی تفصیل میان مباشر و تسبیب برای ضبط نوع صدق عرفی، اتلاف است؛ و گرنه مدار صدق عرفی اتلاف‌کننده است (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۳۵). بی‌گمان وقتی معیار صدق عرفی اتلاف‌کننده است، دیگر عنصر قصد نمی‌تواند در همه حالات معتبر باشد؛ بلکه حتی عنصر علم نیز با وجود صدق عرفی معتبر نیست؛ از این رو اگر شخصی در مسیری عمومی بدون نیت سوء چاهی کند و بدون گذاردن نشانه‌های بازدارنده در کنار چاه آن را رها سازد و شخصی بدون اطلاع چاه‌کن در چاه افتد، چاه‌کن ضامن است؛ با اینکه نه چنین قصد بدی داشته و نه از سقوط آینده شخص دیگر در آن اطلاعی داشته است (ر.ک: بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۲۶۱). از همین جاست که برخی تسبیب مستفاد از روایت‌ها را اعم از قصدی و قهری می‌دانند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۲۰)؛ ولی در هر حال بی‌تردید احراز انتساب خسارت به فعل مسبب لازم است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۲۰؛ نیز ر.ک: سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۲۸۰).

به طور کلی در تسبیب نیز گاه منشأ احراز انتساب و احراز عدم انتساب، عنصر قصد و عدم قصد است؛ مانند مثال زیر که از یک سو به دلیل نبود علم و به تبع قصد، مباشر ضامن نیست و از سوی دیگر به دلیل قصد و علم و عمد مباشر ضامن است:

طیب به پرستار دستور می‌دهد نوع خاصی از دارو را به بیمار بخوراند. اگر این دارو سمی باشد و موجب مرگ بیمار بشود و پرستار نیز به خاصیت سمی آن جاهل باشد، مسبب یعنی پزشک، از مباشر یعنی پرستار در حادثه مرگ بیمار مؤثرتر است و به همین علت طیب ضامن خواهد بود؛ ولی چنانچه پرستار به خواص دارو واقف بوده است، از روی علم و به‌عمد آن را به بیمار بخوراند و باعث مرگ او گردد، شخصاً ضامن است (ر.ک: محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۲۲)؛ ولی گاهی نیز با نبود عنصر قصد و علم، به دلیل احراز انتساب به او باز ضامن است؛ مانند اینکه مالک در حفظ و نگهداری حیوان خود کوتاهی کند و حیوان موجب آسیب‌رساندن به شخص دیگر یا مالش گردد (ر.ک: محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۲۲). نتیجه اینکه ضمان در تسبیب نیز اعم از قصد و عمد و غیر آن است و ملاک احراز استناد و انتساب به فعل مسبب است (ر.ک: محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۲۰).

۵-۳. ضمان ید

مقتضای حدیث نبوی مشهور بین فریقین (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۷۷) «علی الید ما اخذت حتی تؤدی» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۸)، معرفی یکی دیگر از اسباب ضمان است که بر اساس آن اگر ید انسان بدون اذن بر شیء یا شخصی، هر چند از راه غیر غصب، استیلا یابد، او ضامن است و باید آن را به صاحبش برگرداند. گاه این ید از همان ابتداست که در غصب چنین است و گاه پس از امانی یا مأذون بودن است که در حکم آن است. به گفته برخی طبق ظاهر اخذت، ضمان در صورتی است که انسان با قصد، شیء را در اختیار بگیرد؛ و گرنه اگر به اجبار مال دیگری به دستش گذاشته شد و او آن را به اجبار در دست گرفت، ضامن نیست و اگر با پایان یافتن قهر و غلبه آن را بر زمین گذاشت، ضامن نخواهد بود (موسوی قزوینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۶۳۴)؛ ولی به گفته برخی دیگر ظاهر اخذت استیلاست و به فرض تسلط و اجبار و عدوان اختصاص ندارد و جز آن را نیز شامل می‌شود؛ جز اینکه با دلیل خاص مورد یا مواردی تخصیص خورد (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۳۰). به نظر می‌رسد فرض عمومیت به صواب نزدیک‌تر است؛ زیرا مقتضای حرمت مال غیر آن را تأیید می‌کند که بر همین اساس عنصر قصد در ضمان ید دخیل نمی‌باشد و گیرنده بدون اطلاع نیز ضامن شیء مأخوذ است؛ بر همین اساس برخی گفته‌اند تصرف بدون اذن در مال غیر، خواه عالمانه باشد یا جاهلانه، موجب ضمان است؛ با این تفاوت که در فرض نخست، مسئولیت کیفری نیز در کنار مسئولیت مدنی مشترک قرار دارد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۶۷) بنابراین در ضمان ید تفاوتی میان قصد و عدم قصد در ثبوت ضمان نیست و آنچه در ضمان تأثیرگذار است، اثبات ید بر مال غیر بدون اذن است. البته وجود قصد در پدید آمدن حرمت تکلیفی و مسئولیت کیفری مؤثر است.

۵-۴. تعدی و تفریط

از اسباب دیگر ضمان تعدی و تفریط است. تعدی عبارت است از انجام دادن چیزی که ترک آن واجب است و تفریط عبارت است از ترک چیزی که انجام دادن آن واجب است (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۴۸).

با توجه به اینکه امانت در برابر خیانت است و امانت موجب عدم ضمان و خیانت موجب ضمان است و تعدی و تفریط خیانت شمرده می‌شود، تعدی و تفریط از اسباب ضمان شمرده می‌شود (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۴۷). گرچه ظاهر الفاظ تعدی و تفریط مشعر به وجود قصد در مفهوم این دو است، ظاهر آرای فقیهان مطلق است و قصد را در تحقق آن دو شرط ندانسته‌اند (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۴۹)؛ چنان‌که تعریف هر دو نیز نشان این عمومیت است.

۵-۵. غرور

هر که دیگری را به چیزی فریب دهد، ضامن غرامت وارد شده بر او خواهد بود؛ مانند اینکه غذای دیگری را به او بدهد و او نیز آن را بخورد (ر.ک: مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۴۰). در اینجا خورنده طعام به دلیل اتلاف مال غیر ضامن است؛ اما به دلیل غرور می‌تواند به غار رجوع کند؛ زیرا او نیز ضامن است (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۳۷). به‌طور کلی هر غرامتی که بر جاهل به واقع وارد شود که منشأ آن شخصی دیگر است، به گونه‌ای که تدلیس او موجب این غرامت باشد، شخص غار ضامن غرامت است؛ هر چند ید او بر مال و مانند آن قرار نگرفته باشد و عنوان اتلاف کننده بر او صدق نکند (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، صص ۴۴۰-۴۴۱). شخص اول را «غار» (فریب‌دهنده) و شخص دوم را «مغرور» (فریب‌خورده) و این قاعده را «قاعده غرور» می‌گویند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۶۳). به تصریح برخی در صدق این قاعده، قصد و عمد در فریفتن لزومی ندارد و فریفتن عملی کفایت می‌کند؛ چنان‌که در صدق حالت فاعلی «ایستاده» بر شخصی که از روی غفلت هم ایستاده باشد، اطلاق می‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، صص ۱۶۳-۱۶۴)؛ به دیگر سخن در مفهوم غرور عنصر نیرنگ و فریب وجود ندارد تا بر قصد و عمد غار متوقف باشد و چه‌بسا شخص غار بدون قصد فریب‌دادن، بلکه حتی به قصد نیک به توصیف چیزی پردازد و طرف مقابل بر اساس اعتماد به گفته‌های وی وارد معامله‌ای گردد و از این رهگذر زیان بیند (ر.ک: محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، صص ۱۷۰-۱۷۱).

دلیل ضمان در غرور را می‌توان این‌گونه بیان کرد که حقوق اسلامی آنچه را که

برای مسئولیت کافی می‌داند انتساب و استناد فعل زیان‌بار به شخص زیان‌زننده است و عنصر تقصیر که در آن قصد و عمد نهفته است، فقط در جایی می‌تواند نقش داشته باشد که موجب تحقق عنصر استناد و انتساب باشد و هر جا که احراز انتساب و استناد نیازی به تقصیر نداشته باشد، وجود تقصیر لزومی ندارد و در اینجا نیز چنین است (ر.ک: محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۷۱). آنچه منشأ ضمان در این فرض است، لزوم رعایت حرمت جان و مال غیر است که در عمل به وسیله این شخص جاهل رعایت نشده است.

از آنچه گذشت روشن شد که در عنوان‌ها و به تعبیر دیگر در اسباب ضمان پنج‌گانه یادشده بود یا نبود عنصر قصد دخالت ندارد یا اینکه در صورتی در ضمان دخیل است که منشأ استناد و انتساب عرفی به منتسب‌الیه در تلف باشد.

۶. تأثیر قصد در تعیین نوع ضمان

هر چند دخالت عنصر قصد در همه اسباب ضمان عمومیت ندارد، تأثیر داشتن یا نداشتن قصد را می‌توان در تعیین نوع ضمان در مسئله‌ای مانند قصاص عمومی دانست؛ این‌گونه که نیت عنصری است که موجب تشکیل مفاهیم عمد، خطا و شبه عمد می‌شود؛ زیرا ضابطه عمد این است که هم در فعل و هم در قصد تعمد باشد و در حکم این است که فقط تعمد فعل باشد؛ ولی فعل غالباً سبب قتل باشد. ضابطه خطای محض این است که نه در فعل و نه در قصد علیه مجنی علیه تعمدی نباشد. ضابطه شبه‌عمد این است که تعمد فعل باشد، نه قصد در جنایت؛ درحالی‌که فعل غالباً سبب قتل نباشد (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰، صص ۱۰۵-۱۰۸).

نتیجه‌گیری

با اینکه از نظر ضابطه‌مندی، رابطه نیت با ضمان به گستردگی رابطه نیت با حرمت یا جرم با گناه نیست، می‌توان برای برخی موارد ضوابطی را یافت. برخی ضوابط مجرد نیت را موجب ضمان می‌دانند و برخی دیگر نیت توأم با عمل را عامل ثبوت ضمان

می‌شمرند. دسته اول از قبیل دخالت قصد در تحقق عنوان رافع ضمان و انگیزه نامشروع است و دسته دوم از قبیل نبود نیت یا تغییر آن در عنوان‌های قصدی و قصد در اسباب ضمان است؛ هرچند دخالت قصد در قسم اخیر به طور عموم ثابت نشد، تأثیر قصد در حکم وضعی قصاص را می‌توان در تعیین نوع ضمان مسلم دانست.

فهرست منابع

۱. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقائیس اللغة (محقق و مصحح: عبدالسلام محمد هارون، ج ۳، چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (محقق و مصحح: احمد فارس صاحب الجوائب، چاپ سوم). بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر و التوزیع - دار صادر.
۳. اصفهانی، محمدحسین. (۱۴۱۸ق). حاشیة کتاب المکاسب (محقق و مصحح: عباس محمد آل سباع قطیفی، ج ۴، چاپ اول). قم: أنوار الهدی.
۴. اصفهانی، سیدابوالحسن. (۱۴۲۲ق). وسیلة النجاة (شارح: خمینی، سیدروح الله موسوی، چاپ اول). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۵. امام خمینی، سید روح الله. (بی تا). تحریر الوسیله (ج ۱، چاپ اول). قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۶. بجنوردی، سیدحسن. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیة (ج ۱، چاپ اول)، قم: نشر الهادی.
۷. بجنوردی، سیدمحمد بن حسن موسوی. (۱۴۰۱ق). قواعد فقهیه (ج ۲، چاپ سوم). تهران: مؤسسه عروج.
۸. بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة (محقق و مصحح: محمدتقی ایروانی - سید عبد الرزاق مقرم، ج ۲۱، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة (محقق و مصحح: احمد عبدالغفور عطار، چاپ اول). بیروت: دار العلم للملایین.
۱۰. حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۱. سبحانی، جعفر. (۹۲/۱۱/۰۶). قواعد فقهیه، درس خارج فقه. برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سبحانی.

۱۲. سیزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام في بيان الحلال والحرام (ج ۱۳ و ۱۹ و ۲۹، چاپ چهارم). قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله.
۱۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰ق). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (شارح: سید محمد کلانتر، ج ۷ و ۱۰، چاپ اول). قم: کتاب فروشی داوری (افست از جامعه النجف الدینیه).
۱۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام (محقق و مصحح: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، ج ۵ و ۱۲، چاپ اول). قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
۱۵. طباطبایی بروجردی، آقا حسین. (۱۴۲۶ق). تبيان الصلاة (مقرر: علی صافی گلپایگانی، ج ۵، چاپ اول). قم: گنج عرفان للطباعة والنشر.
۱۶. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۰۹ق). العروة الوثقى فيما تعم به البلوى (ج ۱، چاپ دوم). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف (ج ۱، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). قواعد الأحكام في معرفة الحلال والحرام (محقق و مصحح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۹. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذكرة الفقهاء (محقق و مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیه السلام، ج ۱۷، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲۰. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۹ق). نهاية الأحكام في معرفة الأحكام (ج ۲، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین (محقق و مصحح: دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرائی، ج ۸، چاپ دوم). قم: نشر هجرت.
۲۲. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). القاموس المحيط (ج ۳، چاپ اول)، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۲۳. فیومی، احمد بن محمد مقری. (بی‌تا). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر (ج ۲، چاپ اول). قم: منشورات دارالرضی.
۲۴. موسوی قزوینی، سید علی. (۱۴۲۴ق). ینابیع الأحکام فی معرفة الحلال والحرام (محققان و مصححان: سیدعلی علوی قزوینی و سیدعبدالرحیم جزمی قزوینی، ج ۲، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر. (۱۴۲۲ق). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة (ج ۴، چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۶. کاشف الغطاء، حسن بن جعفر. (۱۴۲۲ق). أنوار الفقاهة - کتاب المکاسب (چاپ اول). نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
۲۷. کاشف الغطاء، محمد حسین بن علی. (۱۳۵۹ق). تحریر المجلة (ج ۲، چاپ اول). نجف اشرف: المكتبة المرتضوية (افست شده در کتاب فروشی نجاح در تهران و کتاب فروشی فیروزآبادی در قم).
۲۸. محقق حلّی، جعفر بن حسن. (۱۴۱۸ق). المختصر النافع فی فقه الإمامیة (ج ۲، چاپ ششم). قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.
۲۹. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۴۰۶ق). قواعد فقه (ج ۱، چاپ دوازدهم). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۰. محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد (محقق و مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل‌البتیة، ج ۶، چاپ دوم). قم: مؤسسه آل‌البتیة.
۳۱. مراغی، سیدمیر عبدالفتاح. (۱۴۱۷ق). العناوین الفقهیة (ج ۲، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۱ق). فقه الإمام الصادق علیه السلام (ج ۴، چاپ دوم). قم: مؤسسه انصاریان.
۳۳. منتظری، حسین علی. (بی‌تا). استفتاءات مسائل ضمان (چاپ اول). قم: بی‌نا.

۳۴. میرزای قمی، ابوالقاسم. (۱۴۱۷ق). غنائم الأيام في مسائل الحلال و الحرام (ج ۴، چاپ اول)، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۵. نوری، محدث، میرزاحسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل (محقق و مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیه السلام، ج ۴، چاپ اول). بیروت: مؤسسه آل البيت علیه السلام.

References

1. Allameh Helli, H. (1413 AH). *Qawa'id al-Ahkam fi Ma'rifat al-Halal wa al-Haram* (Research Group of the Islamic Publications Office, Ed., 1st ed., Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Qom Seminary. [In Arabic]
2. Allameh Helli, H. (1414 AH). *Tazkirat al-Foqaha* (Research Group of Aal al-Bayt Institute, Ed., 1st ed., Vol. 17). Qom: Aal al-Bayt. [In Arabic]
3. Allameh Helli, H. (1419 AH). *Nahayat al-Ihkam fi Ma'rifat al-Ahkam* (1st ed., Vol. 2). Qom: Aal al-Bayt. [In Arabic]
4. Baharani, Y. (1405 AH). *Al-Hada'iq al-Nazerah fi Ahkam al-'Itrah al-Tahirah* (M. T. Irvani & S. A. Moqram, Ed., 1st ed., Vol. 2). Qom: Islamic Publishing Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
5. Bojnourdi, S. H. (1419 AH). *Al-Qawa'id al-Fiqhihat* (1st ed., Vol. 1). Qom: al-Hadi. [In Arabic]
6. Bojnourdi, S. M. (1401 AH). *Qawa'id Fiqhihat* (3rd ed., Vol. 2). Tehran: Orooj. [In Arabic]
7. Farahidi, K. (1410 AH). *Kitab al-Ayn* (M. Makhzumi & E. Samerai, Ed., 2nd ed., Vol. 8). Qom: Hejrat. [In Arabic]
8. Firoozabadi, M. (1415 AH). *Al-Qamus al-Mohit* (1st ed., Vol. 3). Beirut: Dar al-Kotob al-ilmiah. [In Arabic]
9. Fayyumi, A. (n.d.). *Al-Misbah al-Munir fi Ghariib al-Sharh al-Kabir* (1st ed., Vol. 2). Qom: Dar al-Razi. [In Arabic]
10. Hamiri, A. (1413 AH). *Qorb al-Asnad* (1st ed.). Qom: Aal al-Bayt. [In Arabic]
11. Ibn Faris, A. (1404 AH). *Mu'jam Maqayis al-Lughah* (A. Mohamad Haroun, Ed., 1st ed., Vol. 3). Qom: Islamic Advertising Office. [In Arabic]
12. Ibn Manzur, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (A. Fars Sahib al-Jawaa'ib, Ed., 3rd ed.). Beirut: Dar al-Fikr for Printing, Publishing, and Distribution. [In Arabic]
13. Imam Khomeini, S. R. (n.d.). *Tahrir al-Wasilah* (1st ed., Vol. 1). Qom: Matbu'at Dar al-Ilm. [In Arabic]

14. Isfahani, M. H. (1418 AH). *Hashiyah Kitab al-Makasib* (A. M. Al-Saba' Qatifi, Ed., 1st ed., Vol. 4). Qom: Anwar al-Hoda. [In Arabic]
15. Isfahani, S. A. (1422 AH). *Wasilat al-Najah* (S. R. Khomeini, Ed., 1st ed.). Qom: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
16. Johari, I. (1410 AH). *Al-Sahah - Taj al-Lughah wa Sahah al-Arabiyyah* (A. Attar, Ed., 1st ed.). Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin. [In Arabic]
17. Kashif al-Ghita', H. (1422 AH). *Anwar al-Fiqah - Kitab al-Makasib* (1st ed.). Najaf Ashraf: Kashf al-Ghatta. [In Arabic]
18. Kashif al-Ghita', J. (1422 AH). *Kashf al-Ghatta 'an Mobhamat al-Shari'ah* (1st ed., Vol. 4). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
19. Kashif al-Ghita', M. H. (1359 AH). *Tahrir al-Majalla* (1st ed., Vol. 2). Najaf Ashraf: Al-Maktabah al-Murtazawiyah. [In Arabic]
20. Maraghi, S. A. (1417 AH). *Al-Anawin al-Fiqhiyyah* (1st ed., Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Qom Seminary. [In Arabic]
21. Mirza Qomi, A. (1417 AH). *Ghanaim al-Ayyam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram* (1st ed., Vol. 4). Qom: Islamic Advertising Office. [In Arabic]
22. Moghniyeh, M. J. (1421 AH). *Fiqh al-Imam al-Sadiq* (2nd ed., Vol. 4). Qom: Ansarian. [In Arabic]
23. Muhaqqiq Damad, S. M. (1406 AH). *Qawa'id Fiqh* (12th ed., Vol. 1). Tehran: Center for the Publication of Islamic Sciences. [In Persian]
24. Muhaqqiq Helli, J. (1418 AH). *Al-Mokhtasar al-Nafi' fi Fiqh al-Imamiyyah* (6th ed., Vol. 2). Qom: al-Matbu'at al-Diniyyah. [In Arabic]
25. Muhaqqiq Karaki, A. (1414 AH). *Jame' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id* (Research Group of Aal al-Bayt Institute, Ed., 2nd ed., Vol. 6). Qom: Aal al-Bayt. [In Arabic]
26. Montazeri, H. A. (n.d.). *Estifta'at Masa'il al-Zaman* (1st ed.). Qom: n.p. [In Arabic]

27. Musawi Qazvini, S. A. (1424 AH). *Yanabi al-Ahkam fi Ma'rifat al-Halal wa al-Haram* (S. A. Alavi Qazvini & S. A. Jozmei Qazvini, Ed., 1st ed., Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Qom Seminary. [In Arabic]
28. Nouri, M. (1408 AH). *Mostadrak al-Wasa'il wa Mostanbet al-Masa'il* (Research Group of Aal al-Bayt Institute, Ed., 1st ed., Vol. 4). Beirut: Aal al-Bayt. [In Arabic]
29. Sabzevari, S. A. (1413 AH). *Mohazab al-Ahkam fi Bayan al-Halal wa al-Haram* (4th ed., Vols. 13, 19 & 29). Qom: al-Menar. [In Arabic]
30. Shahid Thani, Z. (1410 AH). *Al-Rozah al-Bahiyah fi Sharh al-Lom'ah al-Dimashqiyyah* (S. M. Kalantar, Ed., 1st ed., Vols. 7 & 10). Qom: Davari Bookstore. [In Arabic]
31. Shahid Thani, Z. (1413 AH). *Masalik al-Afham ila Tanqih Shara' al-Islam* (Research Group of Ma'arif Islami institution, Ed., 1st ed., Vols. 5 & 12). Qom: al-Ma'arif al-Islamiyyah. [In Arabic]
32. Sobhani, J. (1992, November 6). *Fiqh Principles, Advanced Fiqh Course*. Retrieved from Ayatollah Sobhani Information Website. [In Persian]
33. Tabatabai Borujerdi, A. H. (1426 AH). *Tebiyān al-Salat* (A. Safi Golpaygani, Ed., 1st ed., Vol. 5). Qom: Ganj-e Erfan for Printing and Publishing. [In Arabic]
34. Tabatabai Yazdi, S. M. K. (1409 AH). *Al-Urwah al-Wuthqa fi Ma Ta'mu bihi al-Balwa* (2nd ed., Vol. 1). Beirut: Al-Alami. [In Arabic]
35. Tusi, M. (1407 AH). *Al-Khalaf* (1st ed., Vol. 1). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Qom Seminary. [In Arabic]